

بررسی سبک‌شناسانه جلد نخست از کتاب تاریخ منظوم ایران (شاهکار) از رحیم معینی کرمانشاهی

حسین فامیلیان سورکی^{*}، حمید عالی کردکلائی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

بهمن ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۱، صص ۲۰۴-۱۸۹

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.15.6750

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: رحیم معینی کرمانشاهی در سال ۱۳۷۸ اولین جلد *تاریخ منظوم ایران* (شاهکار) را منتشر کرد. این اثر شامل ۸۵۸۵۱ بیت است. شاهکار در قالب مثنوی و به وزن *شاهنامه* سروده شده است. از منظر مطالعات پیرامنی، نام شاهکار با *شاهنامه* پیوند دارد. معینی مقدمه‌ای به نثر نوشته که در آن به *شاهنامه* فردوسی اشاره کرده است که در حوزه پیوندهای پیرامنی با *شاهنامه* قرار میگیرد. این اثر در سبک از *شاهنامه* تأثیر پذیرفته است، اما محتوای آن با *شاهنامه* متفاوت است. شاهکار معینی کرمانشاهی تداوم و گسترش *شاهنامه* فردوسی از پایان است، چون *شاهنامه* با *حملة* اعراب و فروپاشی ساسانیان تمام میشود و شاهکار از *حملة* اعراب و فروپاشی ساسانیان آغاز میشود و تا اواخر حکومت قاجاریه ادامه دارد. هدف این پژوهش بررسی سبک‌شناسی جلد نخست این اثر در سه سطح زبانی، ادبی و فکری است.

روش مطالعه: این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی انجام گرفته و روش گردآوری اطلاعات در آن، کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها: موفق‌ترین سطح سبک‌شناسی در جلد نخست از منظومه شاهکار، سطح فکری آن است که با مضامینی مانند وطن‌پرستی، ایران‌دوستی، و انتقاد از دنیاپرستان دین‌فروش همراه است. خواندن این مجموعه برای هر ایرانی هم لازم و هم شیرین است. باوجود این اشکالات زبانی و ادبی در آن، سطح اثر را تا حدودی تنزل داده است.

نتیجه‌گیری: ورود لغات عامیانه و محاوره فارسی در کنار کلمات کهن، این اثر را دچار ناهماهنگی زنده‌ای در برخی ابیات و عبارات ساخته است. فنون بلاغی اندک و غالباً تکراری است. زبان اثر ساده است و مختصات دستور زبان کهن فارسی در آن اندک است.

تاریخ دریافت: ۲۵ دی ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۲۸ بهمن ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۱۵ اسفند ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۲۹ فروردین ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

شاهکار، تاریخ منظوم ایران،
رحیم معینی کرمانشاهی،
سبک‌شناسی.

* نویسنده مسئول:

✉ Familian4666@pnu.ac.ir

☎ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistic study of the first volume of the book History of Iranian Poetry (shahkar) by Rahim Moeini Kermanshahi

H. Familian Sooraki*, H. Aali Kordkalaei

Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 15 January 2022
Reviewed: 17 February 2022
Revised: 06 March 2022
Accepted: 18 April 2022

KEYWORDS

Shahkar, history of Iranian poetry,
Rahim Moeini Kermanshahi,
stylistics

*Corresponding Author

✉ Familian4666@pnu.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Rahim Moeini Kermanshahi published the first volume of the history of Iranian poetry (Shahkar) in 1999. This work contains 85851 bits. The shahkar is composed in the form of Masnavi and the weight of Shahnameh. From the perspective of contextual studies, the name of the shahkar is related to the Shahnameh. Moeini wrote an introduction to prose in which he referred to Ferdowsi's Shahnameh, which is in the field of contextual connections with the Shahnameh. This work is influenced by the style of Shahnameh, but its content is different from Shahnameh. A certain masterpiece of Kermanshah is the continuation and expansion of Ferdowsi's Shahnameh from the end, because the Shahnameh ends with the Arab invasion and the collapse of the Sassanids, and the masterpiece begins with the Arab invasion and the collapse of the Sassanids and continues until the end of Qajar rule. The purpose of this study is to study the stylistics of the first volume of this work at three levels: linguistic, literary and intellectual.

METHODOLOGY: This research is a descriptive-analytical method and the method of data collection is library.

FINDINGS: The most successful level of stylistics in the first volume of the masterpiece is its intellectual level, which is associated with themes such as patriotism, and criticism of religious world-worshippers. Reading this collection is both necessary and sweet for every Iranian. Despite its linguistic and literary flaws, it has somewhat degraded the level of the work.

CONCLUSION: The introduction of slang and colloquial Persian words along with ancient words has made this work disgustingly inconsistent in some verses and phrases. Rhetorical techniques are rare and often repetitive. The language of the work is simple and the coordinates of ancient Persian grammar are small.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6750](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6750)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 3	 0	 0

مقدمه

رحیم معینی کرمانشاهی سعی داشته با سرودن منظومه ده‌جلدی «تاریخ منظوم ایران (شاهکار)» بنوعی راه حکیم فردوسی را در پاسداشت فرهنگ ایرانی ادامه دهد. او سعی کرده تاریخی را بنظم بکشد که موجب عبرت آیندگان شود و برای اینکه اثر او مورد اقبال قرار گیرد، به سبک شاهنامه فردوسی شعر سروده است. شخصیت‌های اصلی شاهکار مثل ابومسلم، یعقوب لیث، سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه، شاه اسماعیل صفوی، شاه عباس صفوی، نادرشاه افشار، کریم‌خان زند، و فتحعلی‌خان زند به شخصیت‌های شاهنامه همچون رستم، سهراب، سیاوش، اسفندیار و دیگران تشبیه میشوند و این عامل در کنار عوامل دیگر باعث میشود بازتاب شاهنامه فردوسی در شاهکار معینی کرمانشاهی بیشتر شود. شاهکار در دوره معاصر (۱۳۹۰-۱۳۷۸) شکل گرفته است و رحیم معینی کرمانشاهی مانند فردوسی به احیای هویت ملی از طریق نگاه به گذشته اعتقاد دارد. شاهکار به لحاظ فکری از نوع ادب تعلیمی است که با لحن حماسی سروده شده است. معینی تاریخ را میسراید تا از آن عبرت گرفته شود. او در آغاز و پایان داستانهایش به فکر تعلیم مخاطبان خود است و از رنجی که ملت ایران در طول تاریخ کشیده، دل‌آزرده است و میخواهد مردم کشورش از رذایلی مثل قتل، خیانت و دزدی دوری گیرند و حاکمانی بر سر قدرت بیاورند که ستمگر و غارتگر نباشند و به مبارزه علیه ضحاکهای تاریخ پردازند.

طبق وصیت معینی کرمانشاهی، مسئولیت جمع‌آوری، ویرایش، و نظارت بر چاپ غزلیات، خاطرات و ادامه شاهکار به فرزندش حسین داده شده است. رحیم معینی کرمانشاهی متولد سال ۱۳۰۴ در کرمانشاه است. کرمانشاهی از کودکی به هنر نقاشی، کتب ادبی و تاریخی علاقه داشت و از ۱۳۲۷ خورشیدی فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد و در شمار طرفداران محمد مصدق درآمد و عضو جبهه ملی شد و فعالیت گسترده ای را علیه حکومت مرکزی و جهان‌شاه صمصام بختیاری، استاندار کرمانشاه، آغاز کرد. در فاصله دوران نخست وزیری ساعد به‌مراه علی منصور بعنوان کارمند بانک سپه و روزنامه‌نگار بکار پرداخت و از حامیان ملی کردن صنعت نفت نیز بود. این شاعر و ترانه‌سرا تاکنون کتابهای دیگری را همچون «ای شمعها بسوزید»، «فطرت»، «خورشید شب»، و «حافظ برخیز» منتشر کرده است؛ همچنین همکاری با علی تجویدی، پرویز یاحقی و همایون خرم در تولید آثار موسیقایی از دیگر فعالیتهای این هنرمند است. وی از ۱۳۸۷ خورشیدی به دلیل کهولت سن و بیماریهای ناشی از این مسئله با بیماری دست‌وپنجه نرم میکرد و سرانجام در ۹۲ سالگی در ۲۶ آبان ۱۳۹۴ خورشیدی در بیمارستان جم تهران، جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. معینی جلد نخست منظومه شاهکار را در ۷۱ سالگی سروده است:

که هفتادویک ساله پشتش خم است قدم تند باید که فرصت کم است (معینی کرمانشاهی: ۱۲)

هدف این پژوهش بررسی سبک‌شناسی جلد اول از تاریخ منظوم/ایران (شاهکار) از این شاعر و پژوهشگر است که در سه سطح زبانی، ادبی و فکری انجام میگردد.

سابقه پژوهش

تا کنون پژوهشهای انگشت‌شماری درباره آثار رحیم معینی کرمانشاهی صورت گرفته است که به آنها اشاره میشود: «وطنگرایی در شعر فوزی معلوف و رحیم معینی کرمانشاهی» عنوان مقاله‌ای است از سوری (۱۳۹۹) که در ششمین همایش بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات در جهان اسلام ارائه شده است. این جستار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی مضامین وطن‌دوستی در اشعار فوزی معلوف، شاعر معاصر لبنانی، و رحیم معینی کرمانشاهی، شاعر معاصر ایرانی، را مورد بررسی قرار داده و چگونگی تجلی وطن و مهمترین اشتراکات و افتراقات این مضمون

را در اشعار این دو شاعر مشخص نموده و به این نتیجه رسیده است که علیرغم دور بودن محل زندگی این دو شاعر، تفکراتشان از این حیث بسیار به هم نزدیک است. مقاله دیگری با عنوان «بررسی ویژگیهای سبکی اشعار رحیم معینی کرمانشاهی (با تکیه بر دفتر شعری ای شمعها بسوزید)» از حق‌شناس گتایی (۱۴۰۱) به این نتیجه رسیده است که معینی کرمانشاهی در سطح زبانی از زبان معیار بیشتر بهره برده است و شاخصه‌های کهن‌گرایی، محاوره‌ای و استفاده از لغات عربی و باستانی و کهن بصورت متعادل در شعر او یافت میشود. از لحاظ ادبی به سیاق شاعران سبک عراقی از آرایه‌های بدیعی و صور خیال در حد اعتدال استفاده نموده است. شکایت از روزگار، مضامین اندرزی و تعلیمی، توجه به عشق و معشوق و نیز تا حدودی توجه به مضامین عارفانه از ویژگیهای فکری اوست. مقاله «بازتاب موسیقی در شعر معینی کرمانشاهی» از دلیلی (۱۴۰۱) نیز نشان میدهد معینی کرمانشاهی به دلیل فعالیت در موسیقی و ترانه‌سرایی توانسته، در شاعری نیز بصورت آگاهانه یا ناآگاهانه از واژه‌ها و اصطلاحات موسیقی در سطوح سبک زبانی، ادبی و فکری استفاده کند و در موسیقی شعر نیز اشعاری سروده است که متناسب آوازخوانی است.

باوجوداین درباره منظومه شاهکار فقط یک مورد یافت شد: اسپرهم و سلطانی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی بازتاب شاهنامه فردوسی در شاهکار رحیم معینی کرمانشاهی بر اساس نظریه ترامتیت»، به این نتیجه رسیده‌اند که بازتاب شاهنامه بر اساس نظریه ترامتیت در شاهکار معینی کرمانشاهی زیاد است و این بازتاب باعث شده است اثری زیبا و درخور ستایش شکل گیرد.

چنانچه مشاهده شد، این اثر تا کنون مورد بررسی سبک‌شناسانه قرار نگرفته است؛ بنابراین جستار حاضر با هدف رفع این خلأ پژوهشی صورت گرفته است.

بحث و بررسی

در تقسیم‌بندی سیروس شمیسا از حماسه‌ها، شاهکار معینی کرمانشاهی در دسته حماسه‌های تاریخی منظوم قرار دارد (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۳). شاهنامه فردوسی حماسه‌ای طبیعی است و شاهکار حماسه‌ای مصنوع و تاریخی است. بخشی از ویژگیهایی که ذبیح‌الله صفا و سیروس شمیسا در مورد حماسه‌های طبیعی ذکر کرده‌اند، در مورد حماسه تاریخی و مصنوع شاهکار صدق میکند (ر.ک: اسپرهم و سلطانی، ۱۳۹۳). شاهنامه متنی اسطوره‌ای است که با تأثیر در متون دیگر به شکلهای گوناگون، به حیات فرهنگی خود ادامه میدهد. آرمانهای شاهنامه که انسان دوستی، خردورزی، وطن‌پرستی و غیره است، با تکرار در آثار دیگران دوباره زنده میشود و هنرمندانی که این آرمانها را زنده میکنند، درصدد رساندن پیامهای شاهنامه فردوسی هستند. از این کتاب ده جلد انتشار یافته که جلد نخست آن از فروپاشی ساسانیان تا برآمدن سامانیان است. دومین جلد از برآمدن سامانیان تا حمله مغول را دربرمیگیرد. جلد سوم از حمله چنگیز مغول تا آغاز جنبش سرداران، جلد چهارم از جنبش سرداران و یورش تیمور لنگ تا چگونگی تشکیل سلسله صفویه، و جلد پنجم از چگونگی تشکیل سلسله صفویه تا سلطنت شاه عباس اول را شامل میشود. ششمین جلد از سلطنت شاه عباس تا سلطنت شاه صفی و جلد هفتم از پایان صفویه تا سلطنت نادرشاه را تصویر میکند. هشتمین جلد از آغاز افشاریه تا پایان حکومت کریم‌خان زند و نهمین جلد از آغاز جانشینان کریم‌خان زند تا پایان زندگی فتحعلی شاه قاجار است و جلد دهم آن پایان فتحعلی‌شاه تا سلطنت ناصرالدین شاه را روایت میکند. کتاب شاهکار را انتشارات سنایی بچاپ رسانده است.

شاعر درباره دلایل منظوم کردن تاریخ و درآوردن آن در قالب نظم میگوید: تاریخ در موجودیت خود دو عیب دارد: اول اینکه تاریک است؛ چون فقط تاریخ شاهان نوشته شده نه تاریخ ملت در حالیکه این ملت بوده که هر نوع زجر

و شکنجه‌ای را تحمل کرده است. دوم اینکه تاریخ خشک است و برای همین هم خوانده نمی‌شود، مگر در محیط‌های تحصیلی اما اگر بصورت شعر درآید، بهتر خوانده می‌شود (معینی کرمانشاهی، ۱۳۷۸: ۱۰). در ادامه به بررسی سبک‌شناسانه این اثر در سه سطح زبانی، ادبی، و فکری پرداخته می‌شود.

سطح زبانی

منظومه شاهکار از نظر زبانی ظاهراً قصد دارد رنگ‌وبوی کهن داشته باشد، اما ضعف شاعری و دانش زبانی شاعر، آن را به ملغمه‌ای از زبان کهن و جدید و حتی عامیانه تبدیل کرده است. خطاهای زبانی و ناهمگونی کلمات در بافت نیز از دیگر نقاط ضعف در سطح زبانی این منظومه است. باوجود این شاهکار دارای زبانی بسیار ساده و روان است. در ادامه به مهمترین ویژگیهای زبانی آن اشاره می‌شود.

کاهش واج: در این منظومه بسامد موارد کاهش واج بیشتر از افزایش واج است که معمولاً به ضرورت وزن ایجاد شده است.

حکایت برون آرم از دخمه‌ها / به تار دل خود زخمه‌ها (شاهکار، ج ۱: ۱۵)

که سوی مدائن از این ره روند / سپه دیده و آنگه به درگه روند (همان: ۴۳)

چو پیلان رنگی فتادند راه / بسوی عربها ز ایران سپاه (همان: ۴۹)

ز کردان کمی شاه لشگر گرفت / به کهسار پاطاق سنگر گرفت (همان: ۵۵)

و نیز: روبه (همان: ۶۰)، گهوار (همان: ۲۶۷)، بریشم (همان: ۲۷۲)، پادار: پایدار (همان: ۲۷۴)، گرسن، خمش

(همان: ۳۶۶)، هُش (همان: ۳۷۱)، سماعیل (همان: ۳۹۲)، آگه (همان: ۴۲۰)، غمگن (همان: ۴۲۳)، ستخوان

(همان: ۴۲۹).

افزودن واج

بود دانشومند و زاهد به نام / بکوشد ازین تا که آید به دام (همان: ۴۱)

نه سوسوی استاره‌ای شب‌نما / چو شام قیامت شبی بیصدا (همان: ۱۶۰)

چو چشمان حاکم به گنج اوفتاد / کمر بست بر کشتن سندباد (همان: ۱۶۱)

و نیز: اسپهبد (همان: ۳۱۴)، اسپاه (همان: ۳۷۷)، اشکم (همان: ۴۴۲).

فراوانی ترکیبهای جدید: منظومه شاهکار سرشار از ترکیبات جدید و بدیع است که گاه نیز از نظر زبانی و ادبی چندان مطابق ذوق سلیم نمی‌آید. باوجود این بسیاری از این ترکیبات می‌توانند بعنوان ذخایر واژگانی در زبان فارسی بکار گرفته شوند و همچنین ظرفیت واژه‌سازی این زبان را برخ می‌کشند.

خفته‌نسل پریشان‌معاش (همان: ۱۳)، رستم‌نواز، رستم‌گداز (همان: ۱۷)، شاه جمشید کشور بباد (همان: ۱۸)،

رنج‌خیز (همان: ۲۰)، دانش‌پذیر (همان: ۲۲)، بی‌سپرماندگی (همان: ۲۶)، خاکبوسِ مرارت (همان: ۲۷)، بذریاش

نفاق (همان: ۲۸)، سخت‌کش (همان: ۴۴)، خوش‌گریز (همان: ۵۵)، دلساده (همان: ۶۳)، پایه‌سوزان ایمان (همان:

۹۶)، باخدادرستیز (همان: ۱۱۶)، بالانشینان قدرت‌گرای (همان: ۱۲۶)، نخوت‌سرای خلافت (همان: ۱۴۸)، خودکوب

(همان: ۱۵۵)، بسیارجوی (همان: ۱۸۸)، فکرتابی (همان: ۲۶۳)، غیرت‌آمیز (همان: ۲۷۷)، خودپذیر، ریشه‌انداز

آفت (همان: ۲۸۳)، خدمخانه (همان: ۲۸۷)، غیرت‌فروش (همان: ۲۹۱)، تندجوش (همان: ۳۴۹)، ایرانشناس (همان:

۳۵۰)، جان‌برکف (همان: ۳۲۴)، کوچک‌شماری (همان: ۳۶۶)، غیرت‌انگیز (همان: ۳۶۱)، زمانپو، اجلجو (همان:

۳۶۷)، داغ‌برسینه (همان: ۳۶۹)، شرافت‌شکن (همان: ۳۷۱)، سیستان‌گیری (همانجا)، عطوفت‌شکن (همان: ۳۷۲)،

خویش‌یابی (همان: ۳۷۳)، عقده‌بار، ویرانه‌جو (همان: ۳۷۶)، نیمه‌شب‌خیز (همان: ۳۸۳)، عقده‌چین (همان: ۳۸۸)، دین‌بازی (همان: ۳۹۱)، پسرکشته (همان: ۴۱۷)، شاهین‌بخت (همان: ۴۲۵)، جنگ‌بازنده، خوش‌ظفر (همان: ۴۳۱)، کهن‌اعتقاد (همان: ۴۴۰).

حذف فعل: جملات در منظومه معینی کرمانشاهی غالباً دارای اجزای کامل هستند و حذف جزء کمتر صورت گرفته است. در اینجا به یک مورد حذف فعل اشاره میشود:

چرا باید اینان فراموشمان؟ به اوراق تاریخ خاموشمان (همان: ۱۵)

افعال امر: فعل امر در این اثر به دو صورت با یا بدون جزء صرفی «ب» بکار رفته است. البته بسامد افعال امر با «ب» بیشتر است و این امر نشانه سوق زبان به سمت وسوی زبان جدید است.
چو اکنون دل آسوده‌ای از امین به دلجویی آل هاشم بشین (همان: ۲۲۱)
خروشید محکمتر او را بکوب به هر جا که زخم است آنجا بکوب (همان: ۲۹۲)
به خود باش و بند کمر را ببند به عیاری انداز اکنون کمند (همان: ۳۳۵)
چه می‌خواهی از خاک ایران من رها ای عرب کن گریبان من (همان: ۲۵۴)
و نیز: بنگر (همان: ۴۱۸)، ببین (همان: ۴۱۹).

فعل پیشوندی: بسامد فعل پیشوندی در این اثر خیلی زیاد نیست: برگشادن (همان: ۲۶)، درگرفتن (همان: ۴۹)، درآوردن (همان: ۲۶۵)، برجهیدن (همان: ۲۸۸)، درافکندن (همان: ۲۹۰)، درآویختن (همان: ۳۴۴)، برگرفتن (همان: ۲۲۴)، برپردن (همان: ۳۶۷)

افعال کهن: افعال کهن در این منظومه بسامد قابل توجهی ندارد. به برخی از آنها اشاره میشود: برآهیختن (همان: ۱۸)، چمیدن (همان: ۳۲۱).

که یک تن ز تازی نمانم پگاه / که بر آفتاب افکند یک نگاه (همان: ۳۶)

«ماندن» در معنای «گذاشتن».

کلمات کهن: تعداد کلمات قدیمی فارسی نیز در این منظومه زیاد نیست: نژند (همان: ۱۴۳)، چرخشت (همان: ۱۴۶)، آبنوس (همان: ۲۱۵)، کنام (همان: ۲۶۰)، کوتوال (همان: ۴۰۲).

کلمات عربی کم‌کاربرد: در این اثر کلماتی از زبان عربی بکار گرفته شده‌اند که کمتر در متون منظوم کهن زبان فارسی مشاهده میشوند: تمجمج (همان: ۴۴)، مستحفظین (همان: ۴۹)، تجسس (همان: ۵۵)، مقر (همانجا)، ازدحام (همانجا)، تطمیع (همان: ۱۰۴)، تفرعن (همان: ۱۱۷)، شنت (همان: ۱۷۱)، مفرق (همان: ۱۷۳)، اختناق (همان: ۲۰۲)، جلادت (همان: ۲۴۴)، اغتشاش (همان: ۲۶۵)، توحش (همان: ۳۰۰)، اکمل (همان: ۳۵۵)، تحاشی (همان: ۲۲۶)، تعیش (همان: ۲۳۳)، آمر (همان: ۳۷۲)، شدائد (همان: ۴۴۴).
انواع جمع مکسر نیز در این اثر دیده میشود: دهاقین (همان: ۵۷)، نقوش (همان: ۶۹)، صحراری (همان: ۹۵)، صفوف (همان: ۱۳۴)، اباطیل (همان: ۱۶۴).

ساخت قید با پسوند «انه»: بسامد این نوع قید که در متون دیگر نایاب یا کمیاب است، در منظومه شاهکار قابل توجه است: نجیبانه (همان: ۲۸۰)، رذیلانه (همان: ۲۹۳)، دلیرانه (همان: ۳۰۹)، جسورانه (همان: ۳۲۲)، شیرانه (همان: ۳۲۶)، امیرانه (همان: ۳۴۷)، حقیرانه (همان: ۳۶۶)، کریهانه، پلیدانه (همان: ۳۷۶)، فضیحانه (همان: ۳۸۷)، ترکانه، پلنگانه (همان: ۴۰۱)، اسیرانه (همان: ۴۲۱)

کاربرد انواع «ی»: در این اثر انواع «ی» بکار رفته است و تنوع بالایی دارد:

حاصل مصدر: مخالف‌کشی شیوه قدرتش / که رنگین شود میوه قدرتش (همان: ۹۷)
شرط و جواب شرط: گر ای خامه تیغ زبانم شدی / تو هم از شماتت کنانم شدی (همان: ۱۱۹)
نسبت: چو بشنید کوس سپاهی سترگ / حصاری شد اندر حصاری بزرگ (همان: ۱۳۶)
لیاقت: به بیگانه ناگفتنی را بگفت / نشانهای بنهفتنی را بگفت (همان: ۱۵۹)
نکره: به میمذ زنی کودکی را بزاد / که خونابه رنگی به تاریخ داد (همان: ۲۴۱)
وحدت: ولی خامه‌پرداز با درهمی / بیالود نام چنین رستمی (همان: ۲۵۸)
شگفتی و ستایش: ولی خامه‌پرداز با درهمی بیالود نام چنین رستمی (همان: ۲۵۸)
جابجایی ضمیر: نحو زبان در منظومه شاهکار غالباً رنگ‌وبوی امروزی دارد و مواردی مانند جهش و جابجایی ضمیر، حرف اضافه مرکب، صیغه‌های خاص فعل، و ترکیب وصفی مقلوب بندرت در آن دیده می‌شود:
بسی سالها با شهان هم‌جلس / ولی در نهان دیگرانشان انیس
بسی سالها مصدر کارها / که بیگانه‌هاشان مددکارها (همان: ۱۵۸)
ز نظم سپاهی نبودش خبر / که تنها به عشقی برافراشت سر (همان: ۱۶۰)

حروف اضافه مرکب

که من با سپاهی به سختی درم / به رنج و غم و شوربختی درم (همان: ۴۰)
صفت و موصوف مقلوب: در این اثر در پیروی از نحو کهن زبان فارسی، بسامد ترکیبات وصفی مقلوب قابل توجه است اما در مقایسه با متون مشابه، اندک است: مرده تاریخ، پژمرده تاریخ (همان: ۱۵)، دیوانه کاووس (همان: ۱۸)، طرفه تالار (همان: ۴۴)، پیشین سخن (همان: ۵۵)، خروشنده اسبان (همان: ۱۸۷)، زرین قبا (همان: ۲۵۹)، آواره دختر (همان: ۲۸۹)، خونخواره مرد (همان: ۳۰۵)، زبان‌بسته اسبان (همان: ۳۶۲)، بهین پاسدار (همان: ۳۶۳)، زمردمکان (همان: ۲۳۳)، زبده لشکر (همان: ۴۰۰).
کاربرد کلمات زبان فارسی معاصر: کاربرد کلمات فارسی جدید در کنار کلمات کهن نه تنها ضعف اثر ادبی بشمار نمی‌آید، بلکه اگر هنرمندانه و درست اجرا شود، میتواند تبدیل به شاخصه زبانی اثر گردد. باوجود این بکارگیری کلمات عامیانه و محاوره‌ای در کلمات فاخر و کهن، از استحکام کلام کاسته و لحن حماسی آن را دچار تزلزل می‌کند: یکدنده (همان: ۴۴)، کم‌کمک (همان: ۴۷)، خودباخته (همان: ۴۹)، خودکشی (همان: ۶۱)، چشمک (همان: ۱۰۱)، خودنمایی (همان: ۱۱۸)، جیره‌خوار (همان: ۱۷۸)، شیطننت (همان: ۱۹۵)، ریشه‌یابی (همان: ۲۴۲)، اجیر (همان: ۲۶۴)، خودآزاری (همان: ۲۸۱)، پیشمرگ (همان: ۳۰۹)، چاپیدن (همان: ۳۱۳)، دوست‌یابی (همان: ۳۱۶)، خود را نباختن (همان: ۱۶۷)، بیخ گوش (همان: ۳۹۱)، حرف حساب (همان: ۴۰۸).
برای درک حضور این کلمات در بافت عبارت و زندگی آن، به قید در عبارت ذیل توجه کنید:
به فیروز چپ‌چپ نگاهی فکند / نگه کردن گرگ بر گوسفند (همان: ۱۰۵)
وجود کلمات لاتین در این اثر، که البته انگشت‌شمار است، نیز در این گروه قرار می‌گیرد: امپراتور (فرانسوی) (همان: ۴۴)، میلیون (فرانسوی) (همان: ۲۲۹).

ترکیب نحوی و واژگانی امروزی و عامیانه: از دیگر نقاط ضعف این اثر، وجود ابیاتی با نحو و ساختار زبان فارسی امروز است. اگر شاعر، ادعای پیروی از شاهنامه نمی‌کرد و در سرتاسر اثر، دغدغه ایجاد لحن حماسی و رنگ‌وبوی زبان کهن فارسی را نداشت، شاید این امر ایراد محسوب نمی‌گشت. برای نمونه به موارد ذیل توجه کنید:

شنیدم که لب‌تشنه جان داده‌ای / تو حقا که سردار آزاده‌ای (همان: ۷۰)
 عرب اولین سالهای ورود / مسلط بر احوال چندین نبود (همان: ۹۶)
 این ایراد در بکارگیری اصطلاحات و تعبیرات زبان محاوره و عامیانه نیز خود را نشان میدهد:
 همی اشک میریخت گاه نماز / به پهنای صورت به صدها نیاز (همان: ۳۱۱)
 گهی در سخنهای با این و آن / بسی نیش میزد به عباسیان (همان: ۳۱۲)
 من آن هم‌رهی را رها میکنم / حساب خود از وی جدا میکنم (همان: ۳۲۷)
 به خلوتسرایم وطن میکند / تجاوز به ناموس من میکند
 سر تیغ‌بازی که ناید مرا / چه خاکی به سر ریخت باید مرا (همان: ۳۵۳)
 که ربع غنائم به خود وادهد / چه کس را چنین ثروتی پا دهد (همان: ۳۰)
 از اینسوی رستم تحرک نداشت / که پا میتوانست آنسو گذاشت (همان: ۴۵)
 ستمهای موبد، منمهای شاه / بروبار خود را بینداخت راه (همان: ۴۶)
 به پیش دو چشمش تنش ریزرز / در آن کوره میسوخت با چیزجیز (همان: ۱۶۵)
 منم پور شاپور عالینسب / که سوراخ میکرد کتف عرب (همان: ۳۶۱)
 که تا استخوان‌بندی دودمان / ز هم نگسلد چون بد آرد زمان (همان: ۳۶۸)
 متأسفانه تمامی این موارد، که تعداد آنها هم اندک نیست، موجب شده سطح ادبی اثر پایین آمده و دچار ناهمگونیهای زبانی و ادبی در سرتاسر متن گردد.
اشکالات زبانی: سوای کاربرد کلمات محاوره در کنار کلمات کهن، ضعف شاعری موجب شده بارها در این اثر با حشو، یا کلمات اضافی مواجه شویم که گاه تنها برای پر کردن وزن بکار رفته‌اند.
 سیاست به پنهانگری جوش خورد / سر قصه را زیر سرپوش برد (همان: ۲۶۲)
 «سر را زیر سرپوش بردن» علاوه‌براینکه دارای حشو است، دارای بار ادبی مناسب نیز نیست.
 چو کم‌کم صدایش به پایین فتاد / به شیون سر اندر گریبان نهاد (همان: ۳۶۶)
 «صدا به پایین افتادن» غلط است.
 یکی رنج ایرانش روی دوش / یکی گنجه‌دزد و ایرانفروش (همان: ۳۸۶)
 شاعر قصد داشته ترکیب «گنجدزد» را بکار ببرد، اما برای پر کردن وزن، آن را بصورت «گنجه‌دزد» بکار برده که اصلاً زیبا نیست. ناگفته نماند که در موارد بسیاری از نشانه جمع «ها» به این منظور استفاده شده است:
 نگفت این کسان زان خسان زاده‌اند / که دل را به سیلابها داده‌اند (همان: ۴۴۴)
 همان فاطمی قصد بغداد داشت / به پنهانگریها دلی شاد داشت (همان: ۴۴۵)
 به همراه یاران هزیمت گرفت / به بیمقصدیها عزیمت گرفت (همان: ۱۶۲)
 ولی زین دلیران نشانه کجاست / سخنها از آن آرمانها کجاست (همان: ۱۷۴)

سطح ادبی

این منظومه از نظر سطح ادبی در جایگاه بالایی قرار ندارد. بسامد صور خیال در آن بسیار کم است؛ هر آنچه نیز وجود دارد، ویژگی قابل توجه و منحصر‌بفردی ندارد. به برخی از نمونه‌های آن اشاره میشود:

واج‌آرایی

تکرار «ب» و «گ»: اگر برگی از بار سنگین من / که افتاده در زیر بالین من (همان: ۱۱)
تکرار «خ» و «ش»: که ایرانیان چشم بر خاک و خشت / ولی چشم تازی بسوی بهشت (همان: ۵۶)

تکرار واژه

برون کرده ز افسانه‌ها با قلم / عدم از وجود و وجود از عدم (همان: ۱۷)
تزلزل کجا شور ایمان کجا / عرب در کجا بود و ایران کجا (همان: ۵۶)
که بر تخت چون بود و در بزم چون که در حزم چون بود و در عزم چون (همان: ۱۹۶)

انواع جناس

جناس تام

یکی یارِ پر بارِ ز افسانه‌ها / پر افسون ز خویشان و بیگانه‌ها (همان: ۱۱)
روانشاد فردوسی خوش‌نهاد / یکی نامه از قول رستم نهاد (همان: ۳۷)
چو بشنید کوس سپاهی سترگ / حصاری شد اندر حصاری بزرگ (همان: ۱۳۶)
به وی گفت هرچه این حد زدی / چه جرمش که او را بدین حد زدی (همان: ۲۲۷)
جناس اختلافی
اشارت به دنیای نوش است و نیش / اشارت به سیمای غیر است و خویش (همان: ۱۳)
بخوان قصه‌های نیاکان ما / چنین بود ایران و ایران ما (همان: ۱۵)
پس از جنگها در پس سنگها / عرب گرچه شناسد این جنگها (همان: ۵۵)
و نیز: چاه (همان: ۱۴۱)، خُلُق، خُلُق (همان: ۲۰۰)، امارت، امامت (همان: ۳۱۷)، ریگ، دیگ (همان: ۳۲۰)،
اعتماد، اعتقاد (همان: ۲۳۷)، نام، دام (همان: ۳۷۱)، خامه، نامه (همان: ۴۴۴).

جناس افزایشی

اشارت به رنگ و به نیرنگها / اشارت به جوینده ننگها (همان: ۱۴)
بسوی اطاقی سیه‌طاقی رفت / تو گفתי به انجام میثاقی رفت (همان: ۱۹۵)
و نیز: پشتی (همان: ۲۱۱)، شور، منشور (همان: ۲۱۴)، سیر، اسیر (همان: ۲۵۳).
جناس تصحیف (خط)

در دژ گشودند کاید درون / پریشیده سرباز غلطان به خون (همان: ۵۹)
تو ای پیر ایام دیدی به چشم / چرا پس ندیدم به چشم تو چشم (همان: ۱۵۴)
پدر بذر در تاشکندش بکاشت / پسر دیده بر قصر بغداد داشت (همان: ۴۳۰)
جناس اشتقاق

بین نقش پرهیبت اردشیر / که چتر سرش نور مهر منیر (همان: ۶۷)
چو شهر سمرقند پر بار گشت / به ناگه عیان مکر مکار گشت (همان: ۱۱۰)
جناس مکرر (مزدوج)

که بس مکرشان خلق را بست دست / که دیواره مرز میهن شکست (همان: ۹۲)

بگوییم اکنون از این قوم شوم / ز گام نخستینشان در رسوم (همان: ۱۴۲)
که فرهنگ اسفند اسپندسوز / که آرد بشارت ز نوروز روز (همان: ۱۹۷)
و نیز تاریخ تاریک (همان: ۲۴۵)، ننگ جنگ (همان: ۲۴۸)، ایران ویران (همان: ۲۵۰).
تشبیه: این آرایه پربسامدترین صورت خیال در منظومه شاهکار است و غالباً برای توصیف حالات شخصیتها بکار رفته و مشبه به معمولاً از حیوانات انتخاب شده است مانند شیر، مار، گرگ، روباه، کلاغ، جغد، عقاب.
تشبیه بلیغ: پربسامدترین نوع تشبیه در این منظومه، تشبیه بلیغ است. نوآوری و تازگی در اکثر این اضافات یا ترکیبات تشبیهی دیده میشود: شهر صداقت، چرخ اندیشه، خیمه وحدت، دیگ مرارت (همان: ۱۲). خورشید طبع، ملک هنر (همان: ۱۳)، پستوی عزلت (همان: ۱۴)، تیغ هراس (همان: ۲۲)، سلاح تنعم (همان: ۴۸)، پرده‌های وقاحت (همان: ۱۲۲)، چراغ رهایی (همان: ۱۲۷)، چشمه عشق (همان: ۲۰۱)، داغ تهمت (همان: ۲۶۲)، شراب خیانت (همان: ۲۶۶)، عقاب ظفر (همان: ۳۱۵)، غبار حقارت (همان: ۳۴۰)، سیل خشونت (همان: ۳۴۶)، بذر خیانت (همان: ۳۵۲)، زنجیر تزویر (همان: ۲۲۰)، ستون عواطف (همان: ۳۰۶)، پستوی سردرگمی (همان: ۳۱۰)، کوه اندوه (همان: ۳۶۲)، تیغ زمان (همان: ۳۶۵).
همانطور که مشاهده میشود، مشبه اغلب عقلی و مشبه به حسی است. در ادامه به دیگر انواع تشبیه در این اثر پرداخته میشود.

تشبیه مرسل مفصل

مدائن چو بشکسته کشتی در آب / به غرقایی خود بگیرند شتاب (همان: ۴۵)
حسن همچنان بچه‌شیری جهید / سپه را ز هر سو به نظمی کشید (همان: ۱۳۸)
به آهنگ خود چون دماوندکوه / سرش سرکشی داشت در آن گروه (همان: ۱۸۴)
به فرمان مأمون سپاهی گزید / بسوی امین چون عقابی پرید (همان: ۲۱۸)

تشبیه تفضیل

ز خورشید چشمش درخشنده‌تر / رخس از بهاران شکوفنده‌تر (همان: ۲۹۷)

تشبیه مفروق

عرب از سه سو نقش سیلاب داشت / میادین همان حکم گرداب داشت (همان: ۶۹)
تشبیه مرکب: این نوع تشبیه نیز از تشبیهات پرکاربرد در این منظومه است.
به فیروز چپ‌چپ نگاهی فکند / نگه کردن گرگ بر گوسفند (همان: ۱۰۵)
طوایف به اینسوی و آنسو فتاد / چو پوشال پاییز در کام باد (همان: ۱۳۳)
چنان گله آهو به دشت شکار / عزیزان ما کشته شد بیشمار (همان: ۱۴۴)
قفس را نهادند بر پشت پیل / چو گهوار موسی که بر رود نیل (همان: ۲۶۷)

تشبیه مقلوب

کدامین سپیدی به رفتار توست / که این مور سرگشته از کار توست (همان: ۲۰۴)

تشبیه تمثیل

چو الماس کاید ز سنگ زغال / که در جوهرش افتد آن انتقال
مصائب فشردند درهم مرا / که الماس جانم زند برقها (همان: ۱۳)
چرا شاه ایران رها کرد تاج / که بر کوهسارش فتد احتیاج
چو طوفان به دریا مگر ناخدا / کند کشتی خویشتن را رها؟ (همان: ۵۱ و ۵۲)
تشبیهات نازل و سخیف: برخی تشبیهات در شاهکار دارای بار ادبی کافی نیستند و مشبهه نامناسب است:
گهرهای او چونکه شد چشمگیر / دریدندش از هم بسان حصیر (همان: ۴۹)
ولی هرمزان کم دلیری نبود / که پوشال‌گون سر برد زیر دود (همان: ۵۸)
سیه صورتی داشت بس تیزخشم / شرارت‌فشان بود از غار چشم (همان: ۳۷۵)
استعاره: استعاره در دو نوع مصرحه و مکنیه در این منظومه وجود دارد که البته بسامد استعاره مکنیه در آن بیشتر است و علت آن روح حماسی اثر و جاندارپنداری همه چیز و همه جا است.

استعاره مصرحه

نگفتند این جغد ابلیس خوی / به هر سو به یک خدعه بنهاد روی (همان: ۱۰۷)
منظور از جغد ابلیس خوی، حجاج بن یوسف است.
عقابی نفس‌تازه از گرد راه / سوی مرو انداخت روی سپاه (همان: ۱۳۴)
منظور ابومسلم خراسانی است.

استعاره مکنیه

حکومت چو مردمکشی پیشه کرد / به هر سینه‌ای کینه‌ها ریشه کرد (همان: ۱۰۲)
دگرباره شد تیره روی افق / ز نو بست غمها گلوی افق (همان: ۱۴۵)
که ای نابکار این چه رسم نبرد / که قلب شرف از تو آمد به درد (همان: ۲۵۱)
ز چشم زمان خون محنت چکید / چو این راه ننگ از برادر بدید (همان: ۲۶۶)
کنون ای قلم سوی خود بازگرد / بگو داستانهای دشت نبرد (همان: ۳۷۱)
معینی کرمانشاهی بارها «قلم» خود را خطاب قرار داده و آن را پدیدآور منظومه دانسته است:
بگو ای قلم زان حکایت بگو / سخن را بحد کفایت بگو (همان: ۱۶۸)
کنایه: این شگرد ادبی بسامد قابل توجهی در شاهکار دارد که بیشترین نوع آن، کنایه ایما است.
به هر قصه مو را ز مو میکشم / پی فهم هر نکته هو میکشم (همان: ۱۱)
که از کی عرب باجگیر آمده است / ز جان شاید این قوم سیر آمده است (همان: ۳۶)
سلاحی ولی تازه در تازیان / که یک جو نه او را در ایران نشان (همان: ۴۸)
سقوط مدائن چنان پر ز درد / که ایران کمر راست دیگر نکرد (همان: ۵۵)
و نیز: نقشه کسی بر آب شدن (همان: ۱۴۰)، خواب خرگوشی (همان: ۱۶۷)، بر باد رفتن (همان: ۱۷۷)، مار در آستین کردن / داشتن (همان: ۲۵۵ و ۳۷۲)، از آب درآمدن (همان: ۲۹۸)، کمر بستن (همان: ۳۰۱)، با دم شیر بازی کردن (همان: ۳۴۱)، پشت کسی به زمین آمدن (همان: ۳۶۳)، لب دوختن (همان: ۳۶۶).

کنایه «مار در آستین کردن/ داشتن» در این اثر پربسامد است که برای بیان خیانت و دشمن‌پروری بسیار بکار رفته است.

کنایه «اسم» نیز نمونه‌هایی دارد:

به هر گوش اما رسد این سروش / که زنده است تا حشر آن پاره‌پوش (همان: ۲۰۵)
منظور از «پاره‌پوش» بایزید بسطامی است.

چو از شیر مازندران شد سؤال / کز افشین بگو هرچه داری مقال (همان: ۲۸۰)
منظور از «شیر مازندران» مازیار است.

فنون بلاغی دیگر در این منظومه عبارتند از:

تضاد

اشارت به دنیای نوش است و نیش / اشارت به سیمای غیر است و خویش (همان: ۱۳)

اشارت به مردی و نامردمی / اشارت به تدبیر و سردرگمی (همانجا)

ستمها بنانه^۱ در آن شهر داشت / دل پیر و برنا پر از قهر داشت (همان: ۱۳۵)

گهی راه بگشود و گه راه بست / گهی پیش رفت و گهی پس نشست (همان: ۳۱۶)

پارادوکس (متناقض‌نما)

خداوند تا گوسفند آفرید / چو ما گرگ‌پرور شبانی ندید (همان: ۱۵۴)

حکومت چو فاسد به خود باش چیر / که گه میر دزدان شود دزدگیر (همان: ۱۶۲)

تجاهل‌العارف

مگر کاکلش سنبل و سوسن است / که عطرش چنین در سرای من است (همان: ۱۷۲)

تنسیق‌الصفات

سخنگوی دانای بافر و هوش / جهان‌بین خردمند گردون سروش (همان: ۱۷)

خبثت و کثیف و ضعیف و خفیف / به هر شیوه رفتار او ناشریف (همان: ۱۲۳)

سپهد، سرافراز و قامت‌بلند / سیه‌جامه بر تن به پشت سمند (همان: ۱۲۸)

ایهام

ز چشم زمان دم به دم خون چکید / تحمل چو زاندازه بیرون رسید (همان: ۱۲۷)

بین «خون» و «دم» ایهام ترادف وجود دارد.

^۱. حاکم گرگان از سوی امویان

سطح فکری

مهمترین بنیانهای فکری این منظومه پیرامون وطن‌دوستی و ایران‌گرایی است و با توجه به موضوع آن، کاملاً طبیعی و قابل انتظار است. چنانچه از این منظومه عظیم و طویل برمی‌آید، معینی کرمانشاهی بسیار وطنخواه، ایران‌دوست و دلسوز بوده است. سرایش این مجموعه، همت و حوصله بسیاری میطلبیده که وی اراده و عزم آن را در خود دیده است. در ادامه به مهمترین شاخصه‌های محتوایی و فکری این اثر پرداخته میشود:

عبرت‌آموزی از تاریخ: مهمترین انگیزه‌ای که معینی برای سرایش این اثر از آن یاد کرده، آشنایی با تاریخ و عبرت گرفتن از آن، بمنظور تکرار نکردن اشتباهات گذشتگان است.

بینیم در تیسفون یادها / چه میگفت با زمزم یادها

که بر من نگاهی کن ای روزگار / سپس پای بر دوش من میگذار (همان: ۵۳)

ولیکن در آن لرزش دست و پا / سقوط مدائن زند زنگها

که ای خفته بیگاه بیدار شو / که ای مست و مغرور هشیار شو (همان: ۶۸)

حسرت از شکست ایرانیان در برابر اعراب و عرب‌ستیزی: معینی سبب بسیاری از گرفتاریها و مصائب ایرانیان را در طول تاریخ، حمله اعراب به ایران میداند. او بارها و بارها در جلد نخست منظومه شاهکار با دریغ و حسرت از این موضوع یاد کرده و معتقد است نژاد ایرانی و سرزمین ایران بسیار برتر از عرب و عربستان بوده است.

بیابان‌نوردی به ایران چو تاخت / به دوزخ‌دلی راه غارت شناخت

رسید آنچه از نسل سامی رسید / ز صحرانشین حرامی رسید

نه تنها اسیران آفت شدیم / لگدکوب جنگ خلافت شدیم (همان: ۹۵)

چرا بیخبر از نسبه‌ها شدیم / که کم برده‌ای در عربها شدیم (همان: ۱۱۸)

تو صحرانشین را به جنگل چه کار / مرا ببر مونس ترا سوسمار (همان: ۲۷۹)

او علت اصلی این شکست را، ضعف قدرت و اتحاد ایرانیان میداند:

نگویم ز آئین نو رو پیچ / ولیکن وطن را مگو هیچ هیچ

صدای قدمهای دشمن شنو / ز ناموس خود بانگ شیون شنو

که هر دشمنی چون بگیرد ظفر / بجز قتل و غارت ندارد هنر

از اول در از روی دشمن ببند / سپس گو تبار من است ارجمند (همان: ۶۸)

شاعر در سه بیت ذیل، با لحنی آبرونیک و دردمندانه، اعراب را به ویران کردن و غارت ایران‌زمین فرامیخواند:

بیا ای عرب وقت ویرانی است / که اقبال برگشته ایرانی است

بیا ای عرب بشکن و پاره کن / ببند و بسوزان و آواره کن

بیا ای عرب باغ مینوست این / ثمر هرچه زین باغ خواهی بچین (همان: ۵۳)

معینی کرمانشاهی این قوم و نژاد را «نامرد» خوانده و معتقد است در فتح و ظفرمندیهای خود بیرحمانه عمل کرده‌اند:

که هر کشور آرند در زیر بند / به مغلوب داغ موالی زنند

جوانمردی تازیان پس کجاست / ز مردان چنین شیوه‌ای نارواست

در اقوام افزون ظفر بوده است / ولی کس چنین قصه نشنوده است (همان: ۷۰)

خدایا عرب را توانا مساز / که نسل بشر سوزد این ترک‌تاز (همان: ۱۲۶)

انتقاد به تظاهر و استفاده ابزاری از دین: شاعر هنگام سخن گفتن از «امویان و عباسیان» بسیار از عملکرد و خط‌مشی آنها انتقاد کرده و معتقد است «دین» برای آنها تنها نردبانی برای پیشرفت دنیوی و قدرت‌طلبی است.

که با نام دین سروری چون کند / که چون کرده با گفته وارون کند ...

نگفتند زین شوم‌دیو پلید / چه زجری به دین محمد رسید ...

نگفتند کاین دم‌به‌دم آیه‌خوان / خورانید سرگین به زندانیان ...

به هر شیوه هر کس کند ظلمها / به نام خدا ظلم اما چرا؟ (همان: ۱۰۶ و ۱۰۷)

که آن رقصهای کنیزان عور / که آن عیشگاه مزین به نور

مگر جمله در سایه دین نبود؟ / هنرهای هارون مگر این نبود؟!

در آن سلطه صدرنگ افسانه داشت / خلافت چنان رسم شاهانه داشت (همان: ۱۹۴)

به چشم زمان این کسان کس شدند / مسلمان‌نمایی مقدس شدند

چو بگذشته تیره‌ای داشتند / به قدرت‌نمایی سرافراشتند (همان: ۲۱۳)

به تاریخ کم نیستند این کسان / که آرند نام خدا در میان

ولی کارشان تا چه حد با خدا / بر اینان چه پاسخ دهد تا خدا (همان: ۲۳۷)

فزون‌خواهی اندازه دارد مباح / فزونتر ز حد در مقام تلاش

گرفتم زمین و زمان زان تو / چه بیش از نیازت در انبان تو (همان: ۲۷۳)

نکوهش بدعت‌گذاری در دین: شاعر حکومت عباسیان را موجب ایجاد بدعت در دین میداند.

اگر نقش عباسیان این نبود / چنین شاخه‌هایی که در دین نبود

ستمها چو با نام دین میشود / سرانجام دین هم همین میشود (همان: ۴۴۱)

نکته جالب توجه این است که هنگام سخن گفتن از فرقه‌های انحرافی، تنها از گرایش‌ها و شاخه‌های گوناگون اسماعیلیه (باطنیون، حشاشیون، قمرطیها، زیدیه، فاطمیه، جنبیه) نام برده است. ظاهراً معینی با اعتقادات این گروه کاملاً مخالف بوده است.

خلاقی در آن دوره‌های سیاه / در اسلام و اسلامی افتاد راه

ز هر گوشه‌ای بوته‌ای بردمید / سر شاخه‌ها اینسو آنسو کشید ...

عقاید چنان واژگونی گرفت / که دین محمد زبونی گرفت (همان: ۴۳۵)

نتیجه‌گیری

تاریخ منظوم ایران (شاهکار) از رحیم معینی کرمانشاهی اثری ارزشمند از لحاظ تاریخی (تاریخ ایران دوران اسلامی) است که مخاطب امروز را با فرازونشیب تاریخ ایران در این دوره آشکار می‌سازد. جلد نخست از این مجموعه، که از فروپاشی ساسانیان تا برآمدن سامانیان را دربر می‌گیرد، با دریغ فراوان از شکست ایرانیان از اعراب همراه است. این اثر قابل احترام است و نگارندگان پژوهش حاضر، تلاش ادبی شاعر و همت و اراده وی را در نظم تاریخ مفصل ایران ارج مینهند. باوجود این شاهکار را نمیتوان از نظر زبانی، ادبی، تصویرسازی، توصیف، و مانند آنها در سطح بالایی

دانست. شاعر سعی داشته زبان اثر رنگ‌وبوی کهن داشته باشد، اما ورود لغات و تعبیرات عامیانه و حتی محاوره به آن، سبک زبانی را دچار تزلزل و تنازل ساخته است. نحو زبان بسیار ساده و نزدیک به زبان فارسی امروز است و مواردی مانند جابجایی ضمیر، ترکیب وصفی مقلوب، افعال کهن، حرف اضافه مرکب و واژگان قدیمی در آن زیاد دیده نمی‌شود. کاربرد کلمات عربی نه‌چندان رایج در متون منظوم حماسی، و لغات فارسی عامیانه یا معاصر از دیگر ویژگی‌های این اثر است که باز هم از لحن فاخر حماسی آن می‌کاهد. از نظر ادبی، انواع تشبیه، استعاره، کنایه، جناس و فنون بلاغی دیگر در این اثر دیده می‌شود که تشبیه بلیغ و مرکب در صدر قرار دارند. مشبه‌ها معمولاً عقلی و انتزاعی و مشبه‌به‌ها حسی هستند. اشخاص معمولاً در چابکی، جنگاوری، شجاعت و وجوه اخلاقی به حیوانات تشبیه شده‌اند. زبان در این اثر بسیار ساده و روان است و مخاطب عام را دچار دیرفهمی نمی‌کند. از لحاظ فکری، مهمترین بنیان این جلد، وطن‌دوستی، عرب‌ستیزی، نکوهش دنیاداری و انتقاد از تظاهر به دینداری و استفاده ابزاری از آن است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله با تجزیه و تحلیل داده‌ها و تنظیم متن نهایی حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر آقای دکتر حسین فامیلیان سورکی به عنوان نویسنده مسئول و آقای دکتر حمید عالی کردکلائی بوده است.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Moeini Kermanshahi, Rahim. (1999). History of Iranian Poetry (Masterpiece), Volume One, Tehran: Sanaei.
- Shamisa, Sirus. (2004). Literary Types, Tehran: Mitra.
- Sparham, Davood and Soltani, Omid. (2014). A Study of the Reflection of Ferdowsi's Shahnameh in the Shahkar of Rahim Moeini of Kermanshah Based on the Theory of Tramatin, *Literary Research*, (62) 18, pp. 7-38.

فهرست منابع فارسی

اسپرهم، داوود و سلطانی، امید (۱۳۹۳) بررسی بازتاب شاهنامه فردوسی در شاهکار رحیم معینی کرمانشاهی بر اساس نظریه ترامتینیت، متن‌پژوهی ادبی، (۶۲) ۱۸، صص ۷-۳۸.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) انواع ادبی، تهران: میترا.
معینی کرمانشاهی، رحیم (۱۳۷۸) تاریخ منظوم ایران (شاهکار)، جلد اول، تهران: سنایی.

معرفی نویسندگان

حسین فامیلیان سورکی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران.
(نویسنده مسئول: Email: Familian4666@pnu.ac.ir)
حمید عالی کردکلائی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران.
(Email: hamidalui@mpnu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Hossein Familian Sooraki: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran.
(Email: Familian4666@pnu.ac.ir: Responsible author)
Hamid Aali Kordkaleai: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran.
(Email: hamidalui@mpnu.ac.ir)